مدیریت شهری
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016
۵۱۵-۵۳۳
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۲/۲۳

جایگاه جلوخان مساجد دیروز و امروز در شکل گیری و تقویت قرارگاه رفتاری (مقایسه تطبیقی نمونه موردی مسجد وکیل و مسجدالزهرا در شیراز)

نفیسه گلستانی – پژوهشگر دوره دکتری معماری،گروه هنر و معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
سمیرا میری – دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، پردیس علوم تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
قاسم مطلبی* – دکترای معماری، عضو هیئت علمی پردیس هنرهای زیبا، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

اسلام در تمام شئون خود دینی اجتماعی است؛ چنانچه یکی از آشکارترین وجوه هویتی جامعه و شهر اسلامی، مسجد است که به سبب بعد عقلانی و معنوی ویژه خود همواره نقشی بنیادی داشته است. به نظر می رسد امروزه این نقش برجسته مساجد در سازماندهی ساختار کالبدی و اجتماعی شهرهای اسلامی، و در شهرهای معاصر ایرانی- اسلامی در حال کم رنگ شدن است. از این رو، توجه اصلی این مقاله به شناسایی ویژگی‌های معنایی و کالبدی خاص مساجد کهن در شهرهای ایرانی اسلامی است که می توانند امروزه نیز به عنوان عامل نظام بخش کالبدی و اجتماعی شهر مسلمانان ایفای نقش نمایند. به این منظور و به عنوان نمونه پژوهی مسجد وکیل و مسجدفاطمه الزهرا شیراز انتخاب شده است. ذکر این نکته ضروری است که پژوهش حاضر از روش تطبیقی- تحلیلی و روش تاریخی و مقایسه ای با استفاده از طیف لیکرت و آزمون پایایی آلفای کرونباخ و ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی بهره گرفته است. یافته های تحقیق نشان می دهد که مسجد وکیل، مسجدی است که نگاهی گذارا به فرآیند شکل گیری و تاثیرگذاری آن در بافت تاریخی شیراز بیانگر تاثیر شگرف آن در تلفیق مطلوب زندگی روزمره شهروندان و عملکردهای سنتی مساجد و مکانی مقدس است که در دوره های مختلف تاریخی تا پیش از قرن حاضر، محل برگزاری رویدادهای مهم اجتماعی و برقراری تعاملات مطلوب اجتماعی میان شهروندان بوده است. در حالیکه مسجد فاطمه الزهرا که در دوران معاصر ساخته شده است و فاقد تاثیرگذاری اثربخش کالبدی و اجتماعی شهری می باشد که می توان یکی از عوامل اثرگذار بر بی اعتباری قرارگاه های رفتاری آن را کمرنگی و تضعیف عنصر جلوخان در ساختار کالبدی آن در حوزه مولفه های سازمان فضایی، انعطاف‌پذیری، تناسبات بصری، نشانه، غنای حسی، و خوانایی دانست.

واژگان کلیدی: مسجد، سازماندهی کالبدی، سازماندهی اجتماعی، جلوخان، مسجد وکیل، و مسجد فاطمه الزهرا.

Mosques forecourt place yesterday and today in the formation and strengthening of behavioral setting (comparative case study in Shiraz Vakil Mosque and the Mosque of Al-Zahra)

Abstract

Islam is a social religion in all its aspects, mistakenly as one of the most visible aspects of community identity and Islamic city, the mosque which is well known for his intellectual and spiritual dimensions have always been fundamental. It seems that now the leading role in organizing social and physical structure in the Islamic mosques, and in the cities of contemporary Iranian - Islamic're not fade. Hence, the focus of this paper is to identify specific physical meaning and ancient mosques in the cities of Islamic Iran. That can be used today as a system of social and physical part of Muslims to play their roles. For this purpose, as well as case studies and Msjd-fatmh Al Vakil Mosque of Shiraz is selected. It should be noted that the study of comparative method - analytical and historical and comparative approach using Likert scale and Cronbach's alpha reliability testing and data collection tools: a literature review and field observations have been used. That in different historical periods prior to the present century, the venue for important social events and social interaction among citizens is desirable. While the Fatima Zahra mosque being built in contemporary and urban social and physical impact is less effective. Is one of the factors that influence the invalidity of the headquarters of the system behavior dilute and weaken the forecourt element in the physical structure of components in aerospace organization, flexibility, visual proportions, signs, sensory richness, and knew readability.

Keywords: mosque, organizing physical, social organization, forecourt, Vakil Mosque, and Fatima Zahra mosque.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۷۷۱۳۲۳۴۱، رایانامه: n.golestani668@yahoo.co.ukgmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

مساجد از مهمترین فضاهای مذهبی- اسلامی و بالاخص از اولین فضاهایی است که در جریان شکل گیری شهرها اسلامی بوجود آمدند. در سده‌های نخستین اسلام این عناصر نقش بسزایی در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی جامعه اسلامی ایفا کرده و همواره مورد اقبال و توجه عموم مردم بوده اند، مساجد و فضاهای مذهبی درقالب شبکه گسترده ای در محلات شهرهای اسلامی تعبیه شده و زمینه‌های معنوی، ویژگی های کالبدی و ویژگیهای عملکردی آنها از جمله شاخص‌های بی بدیلی می باشند که سبب شده‌اند تا آنها توان بالقوه ای برای تبدیل شدن به عنصری تاثیر گذار و کارآمد در شهر اسلامی را در خود داشته و به صورت سرمایه‌های عظیم اجتماعی و معنوی عمل نمایند. لیکن به نظر می رسد در حال حاضر علیرغم پیشینه درخشان این فضاها و توان بالقوه آنها در انتظام بخشی کالبدی و اجتماعی شهر و محلات، میزان و شدت تاثیرگذاری فضاهای مذهبی مساجد و اقبال عمومی از آنها در جامعه ما با چالش روبرو گشته است. «شهر در جریان زندگی خود به عنوان یک نظام زنده هدفمند با تغییر و تحولات فراوانی روبروست. نگرش به شهر از جنبه‌هایی که مسجد به عنوان یک عملکرد مذهبی نقش خود را در تکامل و تعریف زندگی شهری بیان می‌کند» (شعیبی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۴). حضور عناصری چون مسجد و مدرسه، بستر برای حضور نیروهای اجتماعی فراهم آورده و به واسطه حضور قوی دولت به-عنوان صاحب سرمایه و ناظر بر تنسیق امور، نیروی سیاسی نیز در این مکان حضور داشته است (حبیبی، ۱۳۸۳). مهمترین شاخصه‌های مسجد از نظر استفاده‌کنندگان نخست ویژگی کالبدی و بعد از آن فعالیت‌ها و معانی مسجد است. مسجد به-عنوان مفصل بین عملکرد مذهبی و حکومتی محسوب می‌شده است. اندکی از تحقیق راجع به جایگاه مسجد در استخوان بندی شهر می‌باشد و در نهایت به بررسی عواملی که مسجد به عنوان یک فضای شهری جهت تعاملات اجتماعات انسانی شهری و افزایش سرمایه اجتماعی، جایگاه کالبدی خود را از دست داده است[1]. از سویی دیگر، «محیط» شامل

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۱. امروزه مساجد در باب برگزاری آیین شکوهمند نماز در سطوح محلات و مناطق شهری از جایگاه بی بدیلی در ارتقاء همبستگی اجتماعی و ساماندهی مناسبات شهروندی و تعاملات اجتماعی برخوردار شده اند؛ چنانچه از یک حوزه سرزمینی متصف به صفت اسلامیت نیز انتظاری غیر از این نخواهد بود. از سویی دیگر، در جامعه معاصر در کنار سرمایه های انسانی، مالی و اقتصادی از نوع دیگری از سرمایه به نام «سرمایه اِجتماعی» نام برده می شود. بر اساس نظر بسیاری از اندیشمندان، این مفهوم به «پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه» به عنوان منبع با ارزشی اشاره دارد که از طریق هَنجارها و اِعتماد متقابل موجب تحقُّق اهداف افراد و اعضاء جامعه می گردد. سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که افراد، گروهها و جوامع برای نیل به نتایج مطلوب به کار می گیرند، مفهومی است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی و اقتصادی از آن برای توصیف طیف وسیعی از فرایندهای اجتماعی و نیز برای پاسخ به پرسشهایی در جهت تحقُّق توسعه استفاده می کنند. در دیدگاه های سنتی، مُدیریت توسعه، سرمایه های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهمترین نقش را ایفا می کردند اما در حال حاضر گفته می شود برای توسعه بیشتر از آن چه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم، به سرمایه اجتماعی نیازمندیم؛ زیرا بدون سرمایه اجتماعی، استفاده از دیگر سرمایه ها بطور بهینه انجام نخواهد شد؛ در جامعه ای که فاقد سرمایه اجتماعی است سایر سرمایه ها ابتر مانده و کم بازده می شوند. از اینرو، موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب شده و مدیرانی موفقند که بتوانند درک درستی از اهمیت و کارکرد سرمایه اجتماعی داشته باشند. بنابراین سرمایه اجتماعی که در واقع از ارزشها و هَنجارهای جامعه، استحکام تعهدات متقابل بین افراد، گروهها و تا حدود زیادی مُشارکت اجتماعی تامین می شود حافظ جامعه و گروههای اجتماعی در بحرانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و می تواند از توقف جامعه در مرحله عقب ماندگی جلوگیری کرده و آن را به سمت توسعه پیش برد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مجموعـه ای از «قرارگاه هـای رفتاری» اسـت که درون یکدیگـر قـرار گرفته انـد و باهم، فصول مشـترک دارند. ایـن قرارگاه هـای رفتـاری دارای دو عنصر اساسـی اند: «الگـوی شـاخص رفتـار» و «محیـط فیزیکـی». اگـر یـک الگوی جـاری رفتـاری در یـک مکان کالبـدی در زمانهـای مختلـف بروز کنـد، آن مـکان می تواند جزیی از یـک یـا چنـد قـرارگاه رفتـاری باشـد. رفتار انسـانی برآینـدی از انگیزه هـا و نیازهـای فـرد، قابلیـت محیط، تصویـر ذهنـی ناشـی از ادراک او از دنیـای خـارج و معنایـی کـه ایـن تصویـر بـرای او دارد، می باشـد؛ بنابرایـن هـر رفتـار تحـت تاثیر شـرایط فـوق می تواند اشـکال مختلفی بـه خود بگیرد و رفتارهـای متنوعی را باعـث شـود. «رفتار» تنهـا تابع «فعالیت» نیسـت؛ بلکه ترکیبـی از: «۱. فعالیـت، ۲. زمان و ۳. محیط»[۲] اسـت. انسـان همـواره در تعامـل بـا محیطـی اسـت کـه خود جزیی از آن به شـمار مـی رود. رفتـار اجتماعی نیازمند بسـتری بـرای روی دادن اسـت، بنابرایـن رابطه انسـان و «محیـط» بـه صـورت یـک رابطـه «رفت و برگشـتی و تعاملـی» موردنظـر اسـت. موضـوع علـم «طراحـی شـهری» خلـق فضاهـای عمومی بـا کیفیت در سـطح شـهر می باشـد، آن جـا کـه زندگـی عمومـی افـراد در جریـان اسـت و در خیابـان و میـدان و پـارک و غیـره، مـردم بـا ویژگیهـا و کیفیت هـای مطلـوب و نامطلـوب آن در تمـاس مسـتقیم قـرار مـی گیرنـد. از سـویی، از آنجـا کـه رفتـار در رابطـه بـا محیـط شـکل می گیرد، بـه شـدت تحت تاثیـر «فرهنـگ و اجتماع» می باشـد و پیوسـته معلـولِ علتـی «اجتماعی و فرهنگی» اسـت. محیـط می توانـد خاسـتگاه «ادراک، بازشناسـی و اثرگـذاری و رفتـار فضایـی» باشـد، گروه هـای مختلف اسـتفاده کننده از فضـای شـهر دارای نیازهـا و الگوهای رفتـاری و بسترسـاز «قـرارگاه هـای رفتـاری» مختلفی هسـتند. بخشـی از ایـن نیازهـا معطـوف بـه نیازهـای مختلـف و متعـدد انسـانی اسـت و بخشـی دیگـر بـه ویژگی هـای کالبـدی ونقـش فضـای مورد اسـتفاده در شـهر مربـوط می شـود. همچنیـن برخـی از الگوهـای رفتاری به نیازهای دسـته های مختلف اسـتفاده کننده از فضا بسـتگی دارد و برخـی از این الگوها تابع فرهنگ و بسـتر فرهنگـی جامعـه می باشـد. بنابرایـن نحـوه برقـراری ایـن رابطـه تعاملـی بسـتگی زیادی بـه چهار عامـل دارد کـه عبارتنـد از: ویژگی هـای کالبدی فضای مـورد اسـتفاده، نیازهـای انسـانی به طور عـام، نیازهای مخاطبیـن و اسـتفاده کننـدگان خـاص آن فضـا و در نهایـت الگوهـای رفتـاری و بسـتر فرهنگـی جامعه. در ایـن مقالـه به بررسـی «جایگاه جلوخان مسـاجد دیروز و امـروز در شـکل گیـری و تقویـت قـرارگاه رفتـاری» اشـاره شـده و در پایـان نیـز راهکارهایـی بـرای تقویت قـرارگاه هـای رفتـاری در جلوخان مسـاجد بـه اختصار مـورد تبییـن قـرار می گیرد.

مبانی نظری تحقیق

فضاهای شهری و روانشناسی محیطی

انسـان بـا توجه بـه نیازهـا، ارزشـها و هدف هـای خود، مُحیـط را دگرگـون می کند و بطـور متقابل تحت تاثیر مُحیـط دگرگون شـده قـرار می گیرد؛ بویـژه تکنولوژی پیشـرفته موجـب مـی شـود تأثیـر انسـان بـر مُحیـط شـدت و سـرعت یابد. در ضمن در رابطـه با مفهوم فضا در روانشناسـی محیطـی می تـوان بـه مفهـوم قـرارگاه هـای رفتـاری اشـاره داشـت؛ چنانچـه در روانشناسـی مُحیـط، رفتـار را در چهـار چـوب قـرارگاه فیزیکـی مـورد بررسـی و پژوهـش قـرار می دهند، بـه طورمثال یـک مدرسـه یـا آموزشـگاه قـرارگاه فیزیکی محسـوب می شـود؛ قـرارگاه فیزیکـی بـه معنـی فضـای فیزیکی بـا هدفهـای کاربـردی و سـازمانی تعریـف شـده به کار

۲. در ایـن رابطـه، کـورت کافـکا (۱۹۳۵)، بیـن مُحیـط جغرافیایی و مُحیـط رفتاری تمایز قایل می شـود، چنانچه مُحیـط جغرافیایی را مُحیـط عینـی و واقعیتهـای اطراف انسـان مـی داند، و مُحیط رفتاری را تصویرشـناختی مُحیط عینـی ارزیابی می کند که اسـاس رفتار انسـان را شـکل مـی دهـد. عـلاوه بر ایـن «داگلاس پورتیـوس» (۱۹۷۷) مُحیط مفهومی را مطـرح می کند که آن را بـه مفاهیم مُحیط پدیـده ای (جغرافیایی) و شـخصی (رفتاری) می افزاید (مرتضـوی، ۱۳۶۷، ص ۷).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

می رود؛ مانند بیمارستان که محل مداوای بیماران است یا کلاس درس که محل تدریس و تعلیم است (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۹). «نظریه های روانشناسی مُحیط در فضا» به قرار زیر است:

۱. «اختیاری» : مُحیط تأثیری روی رفتار و اراده انسان ندارد؛ بگونه ای فقدان تأثیر مُحیط را مطرح می کند.

۲. «امکان گرا» : مُحیط امکانات و فقدانهای مختلف را بوجود می آورد ولی در نهایت انسان در انتخاب، آزاد است.

۳. «احتمال گرا» : احتمال آماری رفتارها را زیاد می کند، تفاوتش با امکان گرا دراین است که جنبه آماری دارد (چیدمان اتاق).

۴. «قطعیت گرا» : تأثیر مُحیط کاملاً قطعی است.

سه نظر در مورد جبریّت مُحیطی معماری بدین شرح است:

- جبریّت مُحیط (اقلیم فرهنگ؛ طبقه اجتماعی؛ نوع تربیت؛ عناصر تاریخی و جغرافیایی)؛
- جبریّت معماری (کاملاً فیزیکی است؛ فضای هدایت شده مصنوع و خرد؛
- جبریّت کالبدی (در حوزه وسیعتر، شهر، غیر از شهر اقلیم هم درآن دخالت دارد، منطقه کوهستانی، و بیابانی).

انواع فضاسازی از دیدگاه روانشناسی مُحیط به قرار زیر است:

۱. «فضا با سیمای نیمه ثابت»: فضاهای چندعملکردی که قابلیت فضایی و رفتاری زیادی دارند، بنابراین فضاهای چندعملکردی تثبیت شده نیستند. فضاهایی که کیفیّت آنها را می توان با تغییر فاکتورهایی نظیر چیدمان مبلمان، تغییر داد که این تغییرات موجب تغییرات رفتاری کاربران آن فضا هم خواهد بود؛ بنابراین می توان الگوهای رفتاری مناسب را استخراج کرد و فضا را در جهت رسیدن به آن سازماندهی کرد.

۲. «فضای بی شکل»: در واقع همان فواصل فضایی است که شکل ندارد.

۳. «فواصل در حیطه انسانی»: این فواصل را به نام های فاصله گریز، فاصله بحرانی و فاصله شخصی و اجتماعی طبقه بندی کرده است. فاصله گریز و فاصله بحرانی به جز در چند مورد، از واکنش های انسانی حذف گردیده است.

۴. «طبقه بندی مدل هم جواری» (فواصل انسان در شرایط محیطی): که بر اساس دیدگاه آلتمن به قرار زیر است: فاصله خصوصی؛ فاصله شخصی؛ فاصله اجتماعی؛ فاصله عمومی.

فرضیه نهفته در سیستم طبقه بندی مدل هم جواری بدین قرار است که؛ بروز رفتاری که ما آنرا تعیین مرز قلمرو (مالکیت) می نامیم، در سرشت تمام حیوانات و انسان وجود دارد و برای این کار، آنها از حواس برای تشخیص یک فضا یا فاصله از فضای دیگر استفاده می کنند. انتخاب فاصله ای معین بستگی به کنش متقابل، ارتباط افراد واکنش گرا، نحوه احساس آنها و آنچه انجام می دهند، دارد.

۱) «فاصله صمیمی»: در این فاصله، حضور شخص دیگر تردید ناپذیر بوده و ممکن است به دلیل غلبه داده های حسی به دفعات ناراحت کننده باشد. بینایی (اغلب انحراف یافته)، بویایی گرمای بدن شخص دیگر، صدا، بو و احساس نفس شخص دیگر همگی علامت تماس با شخص دیگر است: ۱،۱. فاصله صمیمی (حالت نزدیک): استفاده از شرایط مربوط به رعایت فاصله به شدت کاهش می یابد و بر عکس میزان حس بویایی و احساس حرارتی حاصله در بدن هر دو رو به افزایش می رود. در این فاصله می توان جزئیات را مشاهده کرد. ۱،۲. فاصله صمیمی (حالت دور- فاصله: شش تا هجده اینچ): دید شفاف (تا ۱۵درجه) بخش های بالایی یا پایینی صورت را شامل می شود که آن هم بزرگتر به نظر می آید. دید پیرامونی (۳۰ تا ۱۸۰ درجه) قسمت های پیرامونی سر و شانه ها و غالبا دست ها را در بر می گیرد. بیشتر ناراحتی های جسمانی موقعی است که افراد خارجی در درون فضای خصوصی آن ها بطور نابجا حضور یابند (انحراف سیستم بینایی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مطـرح می شـود).
۲) «فاصله شـخصی»: در اصل برای مشـخص سـاختن فاصلـه ثابتـی کـه اعضـای گونه هـای غیر تماسـی را ار هـم جدا مـی کند، بـه کار برده می شـود. شـاید بتوان آنـرا مُحیـط یا حبـاب حفاظتـی (هالـه) کوچکی فرض کـرد کـه یک موجود زنـده بین خود و دیگـر موجودات نگه مـی دارد.
۳) «فاصلـه اجتماعـی»: خـط مـرزی بیـن شـخص در حالـت دور و حالـت نزدیـک در فاصلـه اجتماعـی، (حد تسـلط) را مشـخص مـی کنـد. جزئیـات معنـی دارب صـری ازصـورت قابـل مشـاهده نیسـت و نمـی تـوان انتظارتمـاس بـا فرددیگری را در این فاصله داشـت مگر بـا کوشـش زیاد. تغییرات بسـیار کمی بیـن حالات دور و نزدیـک در ایـن فاصله وجود دارد. مـی توان مکالمات را بیـش از بیسـت پایـی بخوبـی شـنید. افزایـش صـدا یـا فریـاد کشـیدن، باعـث کاهـش فاصلـه اجتماعی به فاصلـه شـخصی مـی گردد.
۴) «فاصلـه عمومـی»: در ایـن فاصلـه یـک فـرد، در صـورت تهدیـد می توانـد حالـت تهاجمـی، دفاعـی یـا فـرار بـه خـود بگیـرد. حتـی ممکن اسـت اثـری از واکنـش گریز امـا در خارج از مرحله آگاهی شـخص در ایـن فاصله مشـاهده گـردد (هـال، ۱۳۸۵، صص۱۳۵-۱۵۴).

تعامل اجتماعی و فضاهای باز شهری

فضاهـای عمومی از اهمیت ویـژه‌ای در حیات تعاملات جمعـی شـهروندان برخوردارنـد کـه اغلب از بیشـترین امکانـات بـه صـورت بالفعـل و بالقـوه بـرای حضـور شـهروندان بـوده و نیـز محدودیت هـای زمانـی، انـدازه و کنتـرل ندارند (پاکـزاد، ۱۳۸۴). فضاهـای باز عمومی امـکان انگیـزش و انتخاب آزاد میـان رفتارها، حرکت ها و اکتشـافات بعـدی را بـرای تعداد معنـی داری از مردم و شـهروندان فراهـم مـی آورد (Lynch, ۱۹۷۲)؛ بـه عبارتـی فضـای منظمـی کـه خـود را بـه راحتـی بـا گوناگونـی رفتارهـا تطبیـق داده و زمینـه خنثـی و القاء کننـده را بـرای کنش هـای خودانگیختـه فراهـم مـی آورد (Ibid, ۱۱۰). در فضاهـای عمومی فرصت آن وجـود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسـته شـده و برخوردهـای از پیش تدوین نیافتـه بـه وقوع پیوسـته و افـراد در یـک محیـط اجتماعـی جدید باهـم اختلاط پیـدا کننـد (Ibid: ۱۰۹). تعامـلات متقابـل رودررو شـالوده اصلی همـه شـکلهای کنش متقابـل اجتماعی اسـت. کنـش متقابـل روزمـره بـه روابـط و مناسـبات ظریـف میـان آنچـه در قالـب کلمـات بیـان می کنیـم و آنچـه از طریـق صـور پرشـمار ارتبـاط غیرکلامـی به دیگـران انتقـال مـی دهیـم، بسـتگی دارد؛ بنابرایـن به طـور کلـی انـواع مختلـف کنشـهای متقابـل اجتماعی را میتـوان بـه دو دسـته ارتباطـات کلامـی و ارتباطات غیرکلامـی (یـا زبـان بـدن) تقسـیم نمـود (گیدنـز، ۱۳۹۰). «گافمـن» در دسـته بندی متفـاوت دیگری دو نـوع کنش اجتماعی را شناسـایی می نمایـد. معیارهای دسـته بندی وی سـطح توجـه افـراد دخیـل درکنـش اجتماعـی بـه رفتـار و حـالات یکدیگر اسـت:
۱. دسـته نخسـت،کنش متقابـل غیرکانونـی زمانی رخ میدهـد کـه افراد، اطـلاع از حضوریکدیگـر را به نمایش میگذارنـد. در ایـن حالـت مـردم پیوسـته در حـال برقـراری ارتباطـات غیرکلامـی از طریق اداهـا و حالات چهره شـان هسـتند؛
۲. امـا کنـش متقابل کانونـی هنگامـی رخ می دهد که افـراد مسـتقیماً بـه آنچـه دیگـران می گویند یـا انجام می دهنـد، توجـه داشـته باشـند.گافمن هر نـوع کنش متقابـل کانونـی را یـک مـراوده می دانـد کـه حاکی از کنـار گذاشـتن بی اعتنایـی مدنی اسـت و بخش زرگی از زندگـی روزانـه مـا را تشـکیل می دهنـد. مـراد مـا از تعامـل اجتماعی در این نوشـتار، کنـش متقابل کانونی اسـت. نکتـه بسـیار مهـم و اساسـی در کنش هـای متقابـل اجتماعـی، وضعیت منـد بـودن آنهاسـت. کنشـها در مکانـی خـاص رخ می دهنـد و مـدت زمـان مشـخصی دارنـد؛ بنابراین واجد نوعی همسـویی زمان-مـکان هسـتند. مفهـوم منطقه-ای شـدن بـه ما کمک می کنـد کـه بدانیـم زندگـی اجتماعـی چگونـه ناحیه بنـدی زمانـی- مکانـی می شـود. تعامـل تجربه هـای اجتماعـی و ویژگـی قرارگاه هـای رفتـاری، موضـوع

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مهمـی در بحـث تعامـل اجتماعـی اسـت؛ به طورکلـی همجـواری، تجانـس، تراکـم، موقعیـت و هـدف، عوامل اولیـه و اصلی در ایجاد تعامل میان افراد هسـتند (مان، ۱۳۶۳). یکـی دیگـر از عوامـل محیطی مؤثـر بر تعامل اجتماعـی، تعـداد افـراد موجـود بـرای تمـاس در یـک محـدوده فضایـی اسـت. مجـاورت فضایـی از مهمترین تعیین کننـده هـای روابط آنـی افراد اسـت، ولی حضور عـده‌ای زیـاد در فضایی بسـیار کوچـک می تواند منجر بـه ادراک روانشـناختی ازدحام شـود (آلتمـن، ۱۳۸۲). از ایـن رو فضاهـای بـاز شـهری به عنـوان یک قـرارگاه رفتـاری، نقشـی مهـم در تأمیـن نیـاز اجتماعـی افراد، تعامـل مـردم بـا یکدیگـر و توسـعه روابـط فـردی و اجتماعـی دارنـد. وجـود فضاهـای دنـج و خصوصـی بـرای ملاقاتهـا و صحبت هـای چهـره به چهره افـراد با یکدیگـر با توجه به شـرایط سـنی، جنسـی و اجتماعی و ایجـاد فضاهایـی بـرای ارائـه مهارت هـای فـردی و گروهـی مـی تواننـد بـه عنـوان قـرارگاه هـای رفتاری مؤثـر در ایجـاد ارتباطـات اجتماعـی باشـند (فلاحت و کلامـی، ۱۳۸۷).

مسجد

در طـول تاریـخ اسـلام، مسـاجد در زندگـی جمعـی مسـلمانان نقـش مهمی داشـته اند. شـاید بتـوان گفت در مقاطعی از تاریخ اسـلام، مسـاجد یکـی از مهمترین و منحصـر بفردتریـن عناصر بـروز زندگـی جمعی بوده و بـه نوعـی برقـرار کننده ارتبـاط میـان زندگی جمعی و مـادی انسـان و زندگـی عبـادی و فـردی او بـوده اند. در ایـران نیـز مسـاجد از دیربـاز نقش مهمـی در زمینه هـای اجتماعـی، اقتصـادی، سیاسـی و کالبـدی ایفـا نموده‌انـد. آنهـا از یـک سـو محـل برگـزاری مراسـم عبـادی بـوده انـد و از سـوی دیگـر، مکانی کـه زندگی اجتماعـی سـاکنان محـلات را سـاماندهی مـی کـرده و بـه حـل و فصـل امـور مـردم مـی پرداختـه انـد. در تاریـخ شـهرهای ایران، به وفـور نمونه هایـی از این نوع عملکـرد دوگانـه مسـاجد یافـت می شـود بـه گونه ای کـه برخـی مورخان غیـر بومی نیز بـه آن اشـاره نموده انـد. دروازه مسـجد در ایـران، بـا دو منـاره در طرفیـن آن یـادآور خاطـره بهشـت بوده کـه در میـان دو مظهر متضـاد تنها محور جهان اسـت (امیـن زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲). واژه مسـجد در قـرآن، بیسـت و هشـت بار آمده اسـت و صریحـا از مسـجد بـه عنـوان مکانی که انسـان مسـلمان در آن عبـادت نموده و به وسـیله آن ایمان به یگانگـی خداونـد را اظهار می دارد نام برده شـده اسـت (مرتضـی، ۱۳۸۷، ص۱۲۳). تکـرار ایـن واژه در قـرآن و تاکیـد بـر نقـش آن نشـان دهنـده اهمیـت و جایگاه ویـژه مسـجد در دیـن اسـلام و میان مسـلمانان اسـت. بـا مطالعـه تاریـخ و تمـدن اسـلامی در مـی یابیـم که مسـاجد به عنـوان عبادتگاه مسـلمانان در طـول اعصار از تحـول و پویایـی خاصـی در کالبد و محتـوا برخوردار بـوده انـد. ایـن امـر از طرفـی ریشـه در حس پرسـتش موجـود در فطـرت آدمـی داشـته و از طـرف دیگـر برخاسـته از حـس زیبایـی دوسـتی انسـانها می باشـد. مسـلمانان در طـول زمـان تـلاش کـرده انـد این حس زیبایی دوسـتی را در کالبد مسـاجد به تصویر کشـیده و بـه خلـق فضاهایـی بپردازنـد کـه ضمـن بـر آورده کـردن نیـاز پرسـتش و عبادت بـر آورنده حـس زیبایی شـناختی آنـان نیز باشـد (سـلیمانی، ۱۳۷۸، ص۲۳۶). همچنیـن انسـانها بنابـر نیـاز فطـری خـود مجبـور به زندگـی جمعـی هسـتند، ضـرورت بر طرف کـردن این نیـاز بـه حدی اسـت کـه برخـی معتقدند انسـان بدون زندگـی جمعـی قادر بـه ادامه حیـات نمی باشـد و بقاء انسـانی بـا زندگـی جمعـی او درآمیختـه اسـت (کوزر، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸). مسـاجد همـواره محـل برقـراری ارتباطـات اجتماعی در سـطح محلات و شـهرها بودند. بسـیاری از کنش هـای اجتماعـی و اقتصـادی مـردم نظیـر آمـوزش (مسـجد- مدرسـه هـا) (همـان، ص ۲۸)؛ و حـل وفصـل دعـاوی، رفـع مشـکلات اجتماعی و حـل مسـائل اقتصـادی در درون مسـاجد صورت می گرفـت؛ حتـی مسـاجد در زمینـه امور سیاسـی همواره بـه عنـوان اهـرم هـای کنتـرل و نظـارت بـر حاکمیـن سیاسـی جامعـه عمـل می کردنـد (حاج سـید جوادی، ۱۳۷۸، ص ۸۳)؛ بـه ایـن ترتیب می توان گفت مسـجد در جامعـه ایرانـی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسـی و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

کالبـدی تاثیـر گـذار بوده اسـت.

جایگاه اجتماعی و فرهنگی مساجد

تنـوع و کثـرت فعالیـت هـا و عملکردهـای اجتماعـی مسـاجد در زمـان رسـول خـدا بـه گونـه‌ای بـود کـه می توان گفت، مسـاجد در سـیره نبوی عامل و وسـیله ای بـرای تجلی دین اسـلام و نمود عینـی تلاش پیامبر (ص) بـرای ارتقـاء زندگـی اجتماعی مـردم جامعه خود بودنـد. مسـجد درصـدر اسـلام از چنان اهمیـت والایی برخـوردار بـود کـه عـده‌ای معتقدنـد در زمـان پیامبـر (ص) مسـاجد در واقـع الگویـی از جامعـه مطلـوب دینـی (در مقیـاس کوچـک) و زمینـه ای بـرای فراهـم آمـدن فضایـی مناسـب بـرای تمریـن شـهروندی بوده انـد (الویـری، ۱۳۸۵، ص ۸۷). دیـن اسـلام، حـدود چهـارده قـرن پیـش در میـان مردمـی کـه بـه لحـاظ اجتماعـی، اقتصـادی و سیاسـی بـه گواهـی تاریخ یکی از جوامـع عقـب مانـده و بـدوی زمـان خـود بـه شـمار مـی رفتنـد، ظهور کـرد. حضرت محمـد (ص) در میان چنیـن مردمـی مامـور ارائـه و تشـریح کامـل تریـن و پیشـروترین دیـن الهـی گشـت. ایشـان در اولیـن گام تشـکیل حکومـت اسـلامی بـه سـاختن مسـجد اقـدام نمودنـد. مسـجد قبـا و مسـجد النبی بـه عنـوان اولین مسـاجد امـت اسـلامی اگرچه به لحاظ کالبـدی در اوج سـادگی و خودبسـندگی ساخته شـدند لیکن بر اساس اسـناد و شـواهد تاریخـی درزمـان نبـی مکـرم اسـلام (حتـی سـالها پـس از رحلـت ایشـان) مسـاجد فقط به عنـوان محلـی برای عبـادت یا ارتبـاط با خدا اسـتفاده نشـدند، بلکـه همـواره در سـیره نبـوی مسـجد عـلاوه بـر عملکـرد عبـادی دارای عملکردهـای متنـوع دیگـر اجتماعـی، فرهنگی و سیاسـی نیز بوده اسـت. مسـاجد همـواره در طـول تاریخ شـکل گیری خـود دارای اثرات اجتماعـی، فرهنگـی و سیاسـی در جامعـه اسـلامی بـوده انـد کـه در زمینـه هـای گوناگـون نظیـر تقویـت انسـجام اجتماعـی، ارتقـاء مشـارکت هـای مردمـی، افزایـش امنیـت اجتماعـی، ایجـاد تنـوع عملکـردی و ارتقـائ حـس تعلـق مکانی نقش داشـته اند. بـرای این منظـور معمـولا در شـهرهای اسـلامی، مسـاجد از نظر دامنـه، تنـوع و حـوزه عملکـردی آنها به انـواع مختلفی تقسـیم می شـدند که مساجد جامع، مسـاجد متوسط محلـه ای، مسـاجد کوچـک و مسـجد مدرسـه ها از آن جملـه هسـتند. همچنین «مسـاجد در طـول تاریخ اسـلام دارای کارکـرد سیاسـی نیـز بـوده اند، همیشـه مسـاجد به مثابه ابـزار نظارتی بـرای حاکمان عمل می کـرده انـد و آنان همواره برای مشـروعیت بخشـیدن به حکومـت خـود مجبـور به نزدیکـی مسـاجد و عالمان و قدرتهـای مذهبـی بودنـد. از ایـن رو، حاکمان سیاسـی هـر گاه از عالمـان و قدرت های مذهبی دور می شـدند و از حمایـت هـای آنهـا محـروم مـی شـدند سـعی در ایجـاد مسـاجد و قدرتهـای مذهبی وابسـته به خود می نمودنـد کـه از آنهـا به عنوان مسـاجد درباری یاد شـده اسـت. در محیط سـنتی اسـلام، اسـتفاده از مسـجد به گونـه ای ایـده ال بـود، زیـرا مسـجد بـه عنـوان مکانی چنـد منظوره برای عبـادت و گردهمایـی، قرائت قرآن، تصمیـم گیـری سیاسـی و نیز مکانـی برای اسـتراحت مـورد اسـتفاده قرار مـی گرفت» (مرتضـی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). بـه عنـوان مثـال، مسـجد مدینه در صدر اسـلام تنهـا بـرای ادای فریضـه نمـاز نبـود، بلکـه مرکز جنب و جـوش و فعالیت‌هـای دینـی و اجتماعـی مسـلمانان، همان مسـجد بـود (مطهـری، ۱۳۴۹، ص۴۰). عملکرد دیگر مسـاجد، برپایی مراسـم آیینی همچـون برگزاری مراسـم تعزیـه خوانـی، مراسـم سـوگواری، برگـزاری مراسـم دعـا و نیایـش در ایـام ویـژه اسـت. اساسـا بـه نظـر مـی رسـد در طراحـی کالبـدی و برنامه‌ریـزی عملکـردی مسـاجد همـواره توجـه خاصـی بـه قابلیت انعطاف پذیـری و تغییـر عملکـرد بـرای فضـا در نظـر گرفتـه می شـده اسـت.

در محیـط سـنتی جامعـه اسـلامی، فضاهـای مذهبـی بـه ویـژه مسـاجد دارای جایـگاه خاصی بودند. هرشـهر و قریـه ای عمدتـا حـول مسـجد آن شـهر یـا قریـه شـکل مـی گرفـت، همزمـان بـا رشـد و توسـعه هـر شـهری مسـاجد دیگـری بـه مـوازات توسـعه محـلات جدیـد احـداث مـی شـدند. مسـاجد دارای سلسـله مراتـب کالبـدی و عملکـردی در شـهر و محـلات

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بودنـد (پورجعفـر، ۱۳۷۶، ص ۵۸). مراکـز عملکـردی و کانون‌هـای فضایـی هـر شـهر و محلـه‌ای در حـول محـور مسـاجد و یـا اماکـن مذهبـی آن شـکل مـی گرفـت سـه عنصر مذهـب تجـارت و سیاسـت در کنار یکدیگـر (حداقـل بـه لحـاظ کالبـدی) در مرکـز شـهر و محـلات جانمایـی مـی شـدند. در چنیـن شـرایطی فضاهـای مذهبـی دارای کارکردهـای بـارزی بودنـد از جملـه ایـن کارکردها می تـوان به کارکرد سـازماندهی کالبـدی محله یا شـهر، تجمیع عملکردهـای اجتماعی، فرهنگـی در محیط‌هـای پیرامـون این فضاهـا و هویت و معنـا بخشـی بـه محیـط محلـه و شـهر اشـاره نمود.

مسجد و سازماندهی کالبدی شهر

علیرغـم اینکه در صدر اسـلام نقش کالبدی مسـاجد از اهمیـت زیـادی برخـوردار نبـود لیکن با گذشـت زمان مسـجد توانسـت از منظـر کالبـدی نیـز به عنـوان یک عنصـر تاثیـر گـذار در شـهرهای اسـلامی عمـل کنـد. تاثیـر کالبدی مسـاجد به مـرور به گونـه ای خاص و پر اهمیـت گشـت کـه در مقاطعـی از تاریخ در شـهرهای اسـلامی مسـجد (به ویژه مسـجد جامع) عنصر مهم در طرح و پلان اصلی شـهر محسـوب می شـد و شریانهای مهـم شـهری به طـرف فضای مسـجد و ورودیهـای آن جریـان مـی یافـت. وجـود مسـجد در شـهر و محله به آن اعتبـار کالبـدی و اجتماعـی مـی داد به‌نوعـی کـه همیـن امـر موجـب افزایـش میـزان ارزش زمین‌هـای مجاور مسـجد در گذشـته می شـد (پورجعفـر، ۱۳۸۳، ص ۷۳). مسـاجد در شـکل گیـری کالبـدی شـهرهای اسـلامی تاثیـر گـذار بوده انـد. همچنین تقسـیم بندی فضاهـا به قسـمت‌های کوچکتر با بهره گیـری از جرزها و سـتون هـا و مـردم وار کـردن فضاها و بهـره گیری از عناصر زیباشـناختی مانند تعادل و تقـارن در کالبدها و نماهـا بـه ویژه در جهـت قبله برای پدیـد آوردن فضای اجتماعـی آرامـش بخـش و بـه دور از آشـفتگی زندگی روزانـه از ویژگی هـای مسـاجد در شـهرهای اسـلامی بود (رنجبرکرمانـی، ۱۳۸۵، ص۳۸۰).

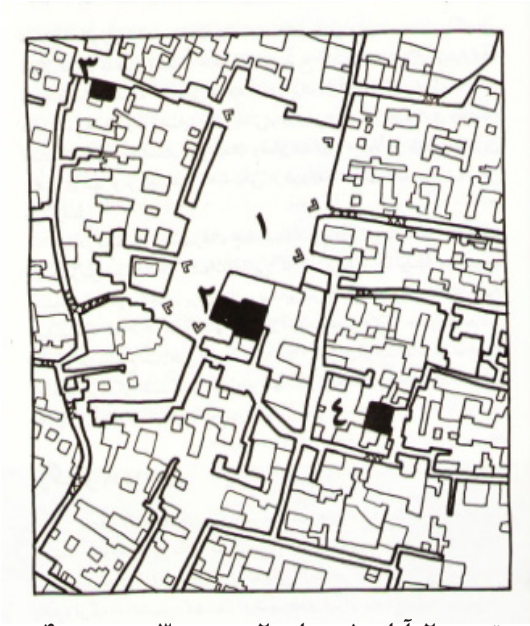
در شهرسـازی ارگانیکـی شـهرها و محـلات و مسـاجد در شـهر اسـلامی یگانه می شـدند و محلات درراستای مسـجد جهت مـی یافتنـد به‌نحوی که می تـوان گفت محـلات از آنجایـی شـروع می شـدند که مسـجد پایان یافتـه بـود (پاپاروپـور، ۱۳۸۷، ص ۲۰). آمیختگـی و درهم‌تنیدگـی مسـاجد در بافـت محـلات و تـداوم بصـری و محیطـی آن باعـث تقویـت حـس مـکان در ناظریـن، عابریـن و سـاکنین در محیط‌هـای شـهری می شـد. «سـهولت دسترسـی به مسـجد از صدر اسلام ازاهمیـت خاصی برخوردار بود. مسـجد بـه عنوان خانه ی خـدا بـوده و هیـچ مالـک زمینـی نداشـت تـا مردم بـرای حضـور در آن ملـزم به کسـب اجازه از او باشـند. درب مسـجد در تمـام سـاعات شـبانه روز بـرای همـه مـردم فـارغ از هـر قشـر و طبقـه ای کـه بـه آن تعلـق داشـتند بـاز بـود. پیامبـر اسـلام تاکیـد مـی نمودنـد کـه مسـجد بایسـتی در مکانـی بنـا گـردد تـا مـردم بـرای حضـور در آن رغبـت داشـته باشـند. پیامبـر می فرماینـد: کسـی کـه به مسـجد رفـت و آمد مـی نماید خداونـد بـرای هـر بـار رفـت و آمـد مکانـی در بهشـت بـه وی اختصـاص مـی دهـد. همچنین احداث مسـجد در فاصلـه (۱۵۰ تـا ۲۰۰ متـری) ایـن امـکان را بـرای سـاکنین فراهـم مـی نمـود تـا با شـنیدن صـدای اذان از سـاعت ادای نماز آگاه شـوند» (مرتضـی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). سـاختمان مسـجد همواره در مسیر گذرگاههای اصلی محلی و شـهری بوده و هیچ گاه دور از دسـترس مـردم نبـوده اسـت (رنجبرکرمانـی، ۱۳۸۵، ص ۳۷۹). نمونه‌هـای فراوانـی از مسـاجد در شـهرهای اسـلامی وجـود دارنـد کـه ضمـن بـاز بـودن رواق‌هـای اطـراف صحـن مسـجد بـه طـرف بیـرون و داشـتن ورودی در سـه طـرف فضـای داخـل، مسـجد را به فضای شـهری پیرامـون خـود پیونـد داده و همـراه بـا ایجاد احسـاس مردمـی بـودن و سـبکی در بنـا، فضـای مسـجد را در موقـع لـزوم قابـل توسـعه می‌نمـوده اسـت (پورجعفـر، ۱۳۸۱، ص ۸۰). ضمنـاً منتهی شـدن گذرهای شـهری بـه طـرف صحـن مسـاجد ایـن مـکان را بـه فضاهـای شـهری تبدیـل مـی نمـود. وجـود چنیـن فضاهـای در کالبـد شـهرها و محـلات شـهری نوعـی سـرزندگی و حیـات اجتماعـی را برای شـهر اسـلامی بـه ارمغان می

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

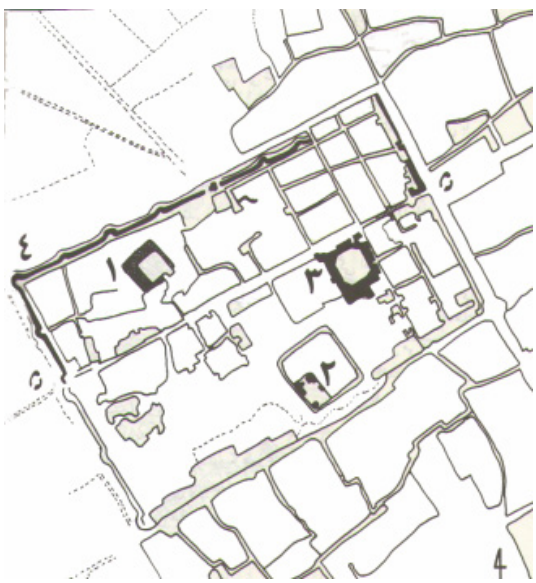


تصویر ۱. نائین؛ ۱. مسجد جامع، ۲. نارین قلعه، ۳. بازار، ۴. بارو، ۵. حسینه (سلطان زاده، ۱۳۶۵، ص ۲۹۶). در بافت قدیم نایین مسجد و مراکز مذهبی در ساخت دهی به کالبد شهر دارای نقش مهمی بوده اند.

آورد. بـرای مثال صحن مسـجد جامع یـزد با ورودیهای مرتبـط بـا خیابان‌های اصلـی و فرعی به صـورت جزئی از شـبکه ارتباطـی پیاده عمل می نموده اسـت، قابلیت چشـمگیر نفـوذ پذیـری مسـجد و همجـواری آن بـا سـایر کاربری‌هـای عمومـی سـازگار بـا آن، بـر تراکم و شـدت اسـتفاده از ایـن مـکان مذهبی افـزوده و فضایی پـر تحـرک و پویا ایجـاد کرده اسـت. در مسـجد جامع اصفهـان نیـز به نوعی شـاهد این هـم آمیختگی فضای مسـجد بـا عرصه‌های شـهری می توان بـود. مکان یابی مسـجد در کنـار چنـد محور اصلـی و فرعـی ارتباطی و احـداث ورودی‌هـای متعدد، قاعده ای اسـت که قابلیت دسترسـی بـه آن را بالا برده اسـت. وجـود چند ورودی درنمای مسـاجد بویژه در مسـاجدی که دارای عملکرد فـرا محلـه ای و شـهری بوده‌انـد سـبب اتصـال میـان فضـای درونـی و برونی می شـده اسـت.

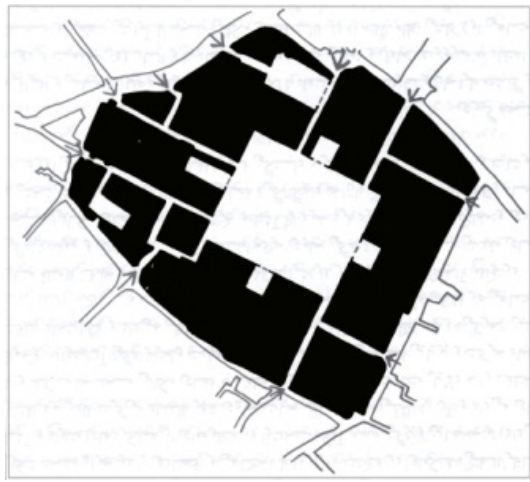


تصویر ۲. آران؛ ۱. میدان، ۲. مسجد، ۳. حسینیه، ۴. حسینه سلمانی (همان، ص ۲۸۵). وجود مسجد در هسته مرکزی شهر و مرکز محلات در شکل-گیری کالبدی شهر نقش مهمی داشته است.

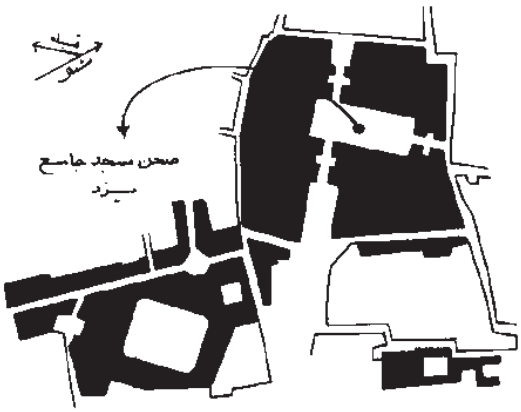


تصویر ۳. طبس؛ ۱. مسجد جامع، ۲. ارگ، ۳. مدرسه، ۴. بارو، ۵. دروازه. (همان، ص ۲۹۴). در شهرهای خطی که شهر در حول یک محور ارتباطی شکل می گرفته نیز مسجد درکنار عناصر دیگر در ساماندهی کالبدی شهر اهمیت داشته است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۴. مسجد جامع اصفهان، مکان یابی مسجد در جوار چند محور اصلی و فرعی و احداث ورودی متعدد سبب دسترسی آسان تر به فضای مسجد می شد (پروند و تولایی، ۱۳۷۶، ص ۴۸).



تصویر ۵. مسجد جامع یزد. مسجد جامع یزد با ورودی های مرتبط به خیابان‌های اصلی و فرعی به عنوان یک فضاهی شهری عمل می نماید، نفوذ پذیری و همجواری آن با سایر کاربری‌های سازگار بر تراکم و شدت استفاده از این مکان مذهبی افزوده است (همان، ص ۴۱).

مسجد و سازماندهی فرهنگی شهر

در گذشته بسیاری از فعالیت‌های مهم اجتماعی و فرهنگی شهرها و محلات شهری در درون یا مجاورت فضاهای مذهبی جانمایی می شد. در محیط سنتی اسلام، استفاده از مسجد به گونه ای ایده ال بود، زیرا مسجد به عنوان مکانی چند منظوره برای عبادت و گردهمایی، قرائت قرآن، تصمیم گیری سیاسی و نیز مکانی برای استراحت مورد استفاده قرار می گرفت (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). بر اساس اسناد و شواهد تاریخی در زمان نبی مکرم اسلام (حتی سالها پس از رحلت ایشان) مساجد فقط به عنوان محلی برای عبادت یا ارتباط با خدا استفاده نمی شدند، بلکه همواره در سیره نبوی، مسجد علاوه بر عملکرد عبادی دارای عملکردهای متنوع دیگر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز بوده است. تنوع و کثرت فعالیت ها و عملکردهای اجتماعی مساجد در زمان رسول خدا (ص) به گونه ای است که می توان گفت، مساجد در سیره نبوی وسیله ای برای تجلی دین اسلام و نمود عینی تلاش پیامبر برای ارتقاء زندگی اجتماعی مردم جامعه خود بوده اند. مسجد مدینه در صدر اسلام تنها برای ادای فریضه نماز نبود، بلکه مرکز جنب و جوش و فعالیت‌های دینی و اجتماعی مسلمانان، همان مسجد بود (مطهری، ۱۳۴۹، ص ۴۰). در ایران نیز، مساجد نقش مهمی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر عهده داشتند. آنها از یک سو محل برگزاری مراسم عبادی بوده‌اند و از سوی دیگر مکانی که زندگی اجتماعی ساکنان محلات را ساماندهی می کرده و به رتق و فتق امور مردم می پرداختند. به این ترتیب می توان گفت مسجد در جامعه ایرانی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی تاثیر گذار بوده است. ازکارکردهای دیگر مساجد می توان به کارکرد قضایی، کارکرد مددکاری اجتماعی، کارکرد فرهنگی وکارکردهای آموزشی اشاره کرد. یکی از مهمترین کارکردها در مساجد، کارکرد آموزشی بوده است که از بدو تاسیس مسجد، در درون آن جای گرفته است و همواره با نشیب و فرازهایی به عنوان یکی از کارکردهایی که در درون و یا کنار مسجد قرار داشته مطرح می شود. در محیط سنتی اسلام تمام معارف و احکام اسلامی، اعم از آموزش و پرورش،

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

در مسجد گفته می‌شد، همه گونه تعلیمات دینی و علمی، حتی امور مربوط به خواندن و نوشتن در آنجا انجام می‌گرفت. تا آغاز قرن چهارم هجری غالباً مساجد، در غیر اوقات نماز، نقش مدارس را ایفا می کرده اند، حتی بعدها که مراکز تحصیلی از مساجد به مدارس منتقل گردید، باز مدارس در جنب مساجد ساخته می‌شد و از این طریق پیوند ناگسستنی دین و علم به نمایش گذارده می‌شد. بارگزاری و جایگزینی عملکردهای متنوع ومتعدد در درون مساجد و همچنین وجود کاربریهای متنوع در فضاهای پیرامونی مساجد از دیر باز در شهرهای اسلامی رواج داشته است. در تاریخ اسلام مساجد هیچگاه منحصرا به عبادت اختصاص نداشته اند؛ بلکه همواره علاوه بر تشکیل مراسم عبادی، نماز، جلسات وعظ و ارشاد، حلقه‌های درس و بحث نیز در آن تشکیل می شده است که این امر پس از جدا شدن فضای مدرسه ها از مساجد (اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم) ادامه داشته است. کارکرد دیگر مساجد برپایی مراسم آیینی همچون برگزاری مراسم تعزیه خوانی، مراسم سوگواری، برگزاری مراسم دعا و نیایش در ایام خاصی می باشد. اساسا به نظر می رسد در طراحی کالبدی و برنامه ریزی عملکردی مساجد همواره توجه خاصی به قابلیت انعطاف پذیری و تغییر عملکرد برای فضا در نظر گرفته می شده است. برای این منظور معمولاً در شهرهای اسلامی، مساجد از نظر دامنه، تنوع و حوزه عملکردی آنها به انواع مختلفی تقسیم می شدند؛ مثل مساجد جامع، مساجد متوسط محله ای، مساجد کوچک و مسجد- مدرسه ها (حاج سید جوادی، ۱۳۸۷، ص ۸۶). ازجمله کارکردهای دیگر مساجد در طول تاریخ،کارکرد سیاسی آنها بوده است. در طول تاریخ همواره مساجد به مثابه ابزار نظارتی برای حاکمان عمل می کرده‌اند و آنان همواره برای مشروعیت-بخشیدن به حکومت خود مجبور به نزدیکی به مساجد و عالمان و قدرتهای مذهبی بودند. از این روحاکمان سیاسی هرگاه از عالمان و قدرت‌های مذهبی دور می شدند و از حمایت‌های آنها محروم می شدند سعی در ایجاد مساجد و قدرتهای مذهبی وابسته به خود می نمودند که از آنها به عنوان مساجد درباری یاد می شده است (حاج سید جوادی، ۱۳۷۸، ص ۸۲). همچنین کاربریهای گوناگون اطراف مسجد بیانگر جوفعال و پویا و ارزش بالای زمین در اطراف مسجد جامع بود. کاربریهای تجاری، فرهنگی (انجمن‌های گوناگون، کتابخانه) جهانگردی (مهمانسراها و رستورانها و غیره) و خرده فروشیهای دیگر (پورجعفر، ۱۳۸۱، ص ۷۹) سبب افزایش میزان مطلوبیت محیط برای افراد می شد.

جلوخان

جلوخان واژه ای است که از ترکیب دو کلمه جلو به معنای «پیش، پیش رو، روبه رو» (عمید، ۱۳۴۲، ص ۴۷۸) و کلمه خان تشکیل شده است. خان در ادبیات به خانه، سرا، کاروانسرا به کار رفته است؛ مانند هفت خان رستم، خان گاه، خانمان (عمید، ۱۳۴۲، ص ۴۳۸). این تعریف جلوخان به معنای جلو منزل، مرحله قبل از ورود به منزل، مرحله مقدماتی منزل و یا آمادگی جهت ورود به منزل می باشد. در لغتنامه معین نیز جلوخان به پیشگاه خانه، میدانی که در جلو عمارت و منزل واقع باشد معنی شده است (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۲۳۸). پیش خان به عنوان یک فضای واسطه در مرز بین حریم درون و بیرون، عبارتست از فضایی ارتباطی در جلوی در ورودی برخی بناها که عموماً از چند طرف محصور می باشد. این فضا به عنوان قسمتی از ورودی و اولین مرحله از سلسله مراتب ورود به بنا، ضمن تعریف حریم بنا، فضایی برای ورود، مکث، تجمع، حرکت و درک بهتر ساختمان را مهیا می نماید؛ لذا می توان گفت جلوخان به میدانگاه جلو بنا و محوطه باز قرار گرفته در آستانه ورودی خانه، مسجد، کاروانسرا، حمام و غیره اطلاق می گردد.

مواد و روشها

«جامعه آماری» تحقیق حاضر دو نمونه از «مساجد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شـهر شـیراز» اسـت که یکی از مسـاجد قدیمی شـهر که نقشـی ارزنده در اسـتخوانبندی شـهر داشـته است انتخاب شـده اسـت و دیگـری از مسـاجد دوران جدید اسـت که در کنار یک شـریان بزرگراهی سـاخته شـده و در واقع توسـعه شـهر و اسـتخوانبندی شـهری در آن تاثیـری نداشـته اسـت. بـرای ارزیابـی آنهـا متغیرهای عملیاتی مسـاله بوسـیله سـی نفر از اسـاتید دانشگاهی بصـورت تطبیقی و مقایسـه‌ای مورد قیـاس قرار گرفت کـه از طیـف لیکـرت ۳ گانـه (*: تاثیـر کـم؛ **: تاثیر متوسـط و ***: تاثیـر زیـاد) اسـتفاده گردیـد. اعتبـار و روایـی پرسشـنامه بـه دلیـل بهره‌گیـری از طیـف لیکـرت، با اسـتفاده از «روش هماهنگی درونی» (آلفای کرونبـاخ) می‌تـوان پایایـی آزمون‌های نگرش‌سـنجی را بـه دسـت آورد، «پایایی» مقیاس لیکرت بـا ضریبی در حـدود ۸۵% توسـط محققان قابل قبول دانسـته شـده اسـت کـه در تحقیـق حاضـر در حـدود ۸۰ درصد بوده اسـت کـه تقریبـاً قابل قبـول بنظر می رسـد.

«متغیرهای عملیاتی» مسـاله عبارت شـدند از: سازمان فضایـی؛ انعطاف‌پذیری؛ تناسـبات بصری؛ نشـانه؛ غنای حسـی؛ و خوانایـی. در ادامـه بـه متغیرهـای عملیاتـی مسـاله اشـاره مـی شـود کـه از مهمتریـن عواملـی که می توانـد در ارتقـاء قلمروهـای رفتـاری در ایـن فضاها تاثیرگـذار باشـد می تـوان اشـاره کـرد به:

متغیـر عملیاتـی اول: خوانایی؛ کیفیتـی که بر چگونگی و سـهولت درک مـردم از فرصت‌هـا و موقعیت‌هایی که محیـط بـر آن عرضه مـی‌دارد، تاثیـر بگـذارد، خوانایی نامیـده می‌شـود (بنتلـی و همـکاران، ۱۳۸۵، ص ۵). راجـر ترانسـیک در کتـاب «یافتـن فضـای گمشـده» در سـال ۱۹۸۶، بـرای فائـق آمـدن بر مشـکل طراحی شـهری بـه طـور عـام، ضـرورت اسـتفاده یکپارچـه و تلفیـق سـه تئوری «ارتباط، شـکل- زمینـه و مکان» را ضـروری می‌دانـد و بـرای فائـق آمـدن به این مشـکل: ۱- حفـظ تسلسـل حرکت‌هـا (ایجـاد ارتبـاط)؛ ۲- محصوریـت فضاهـا، ۳- پیوسـتگی لبه‌هـا؛ ۴- کنتـرل محـور و پرسـپکتیو و ممـزوج نمـودن فضـای درون و بیـرون را پیشـنهاد می‌کند (گلـکار، ۷۹۱۳، صص ۳۸-۶۵).

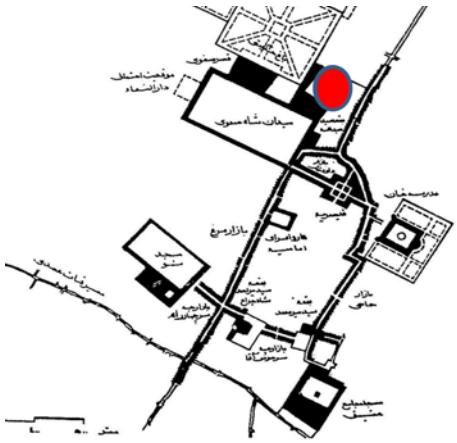
متغیـر عملیاتـی دوم: سـازمان فضایـی؛ درک سـامان فضایـی مـکان و آنچـه را کـه در آنجـا می‌گـذرد و موجبـات قابـل درک شـدن یـک مـکان را فراهـم مـی‌آورد، کـه خوانایـی فضا شـمرده می‌شـود. خوانایی در دو سـطح فرم کالبدی و الگوی فعالیت اهمیت دارد. عناصـر کالبـدی از نظر کوین لینچ شـهر سـاز مشـهور آمریکایـی شـامل راه‌هـا، گره‌ها، حوزه‌ها و نشانه‌هاسـت (بنتلـی و همـکاران: ۱۳۸۵).

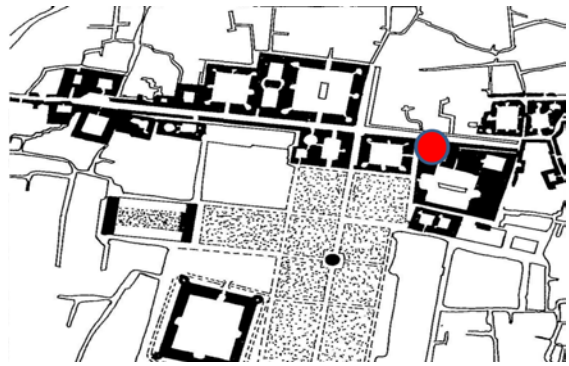
متغیـر عملیاتـی سـوم: نشـانه‌ها؛ بنابراین مسـاجد یک شـهر می‌تواننـد بـه عنـوان نشـانه در ذهن شـهروندان نقـش بسـته، علاوه بـر اینکه آنـان را به معانـی معنوی متذکـر می‌گردانـند (نقـی‌زاده، ۷۶۱۳، ص ۶۵۵). مکان مسـجد بایـد بـه عنـوان یـک نشـانه مهـم در شـهر به نحـوی انتخاب شـود که دیـد مناسـبی از نقاط مختلف شـهر بـه آن وجـود داشـته باشـد، در گذشـته نمـاد کالبـدی مسـجد از دور، دو عنصـر گنبـد و منـاره بـود (طالبـی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۲).

متغیـر عملیاتی چهارم: انعطاف‌پذیـری؛ ترکیب توانمند مکان‌هایـی کـه بتواننـد بـرای منظورهـای مختلـف اسـتفاده شـوند و محیط‌هایی که قابلیـت عرضه چنین گزینه‌هایی را داشـته باشـند دارای کیفیتی هسـتند که انعطاف‌پذیـری می‌نامیـم. از نظـر «فرانسـیس تیبالدز» کیفیـت در طراحـی شـهری واجـد عواملـی اسـت کـه یکـی از آنهـا، محیط‌هـا بـه شـکلی «انعطاف‌پذیـر» و انطباق‌پذیـر طراحـی و پیش‌بینـی گردنـد. کوین لینچ در کتـاب تئـوری شـکل شـهر در سـال ۱۹۸۱، شـکل خـوب شـهر را از نظـر ارتقـا کیفیـت زندگـی شـهری بـه پنـج معیـار تقسـیم می‌کنـد کـه «سـازگاری»، بـه مفهـوم انطباق فرم شـهری یـا فعالیت‌هـای گوناگون و مدارهـای رفتـاری تعریـف می‌کند. سـه عامـل کلیدی انعطاف‌پذیـری درازمـدت را پشـتیبانی می‌کند: عمق و دسترسـی و ارتفاع.

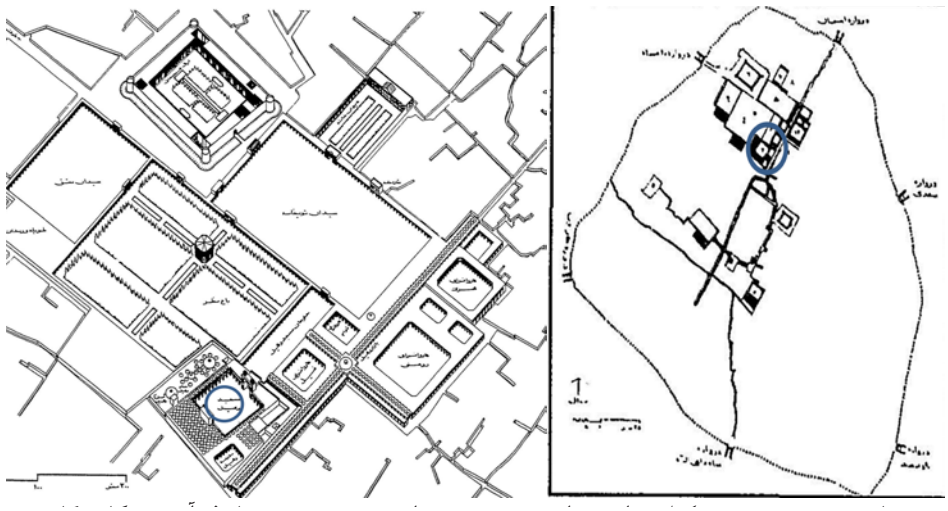
متغیـر عملیاتـی پنجـم: تناسـبات بصری؛ کویـن لینچ در کتـاب تئـوری شـهری یکـی از معیارهـای کیفیـت شـهری را اینگونه تعریـف می‌کند: در ارتقـا پیچیدگی،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]





تصاویر ۶ و ۷. مسجد وکیل در استخوانبندی شیراز در دوره صفوی؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.



تصاویر ۸ و ۹. مسجد وکیل و استخوانبندی شهر شیراز در دوره زندیه؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

شادی‌بخش بودن و ایجاد «خوشایندی بصری» محیط تلاش گردد. «گرین» در مقاله‌ای تحت عنوان «شکل شهر» در سال ۱۹۹۲، برای کیفیت شهری چند عامل را ذکر کرده که جذابیت شامل «مقیاس تناسبات بصری و عملکردی، سرزندگی و هارمونی» است. «تصمیماتی که در این مرحله اتخاذ می‌شود یک ظاهر کلی از طرح عرضه شود که تناسبات بصری نامیده می شود» (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵). کیفیتی که می‌تواند بر جزئیات ظاهری یک مکان، آنگونه که مردم را از گزینه‌های قابل عرضه به خودشان آگاه کند، تناسبات بصری نامیده می‌شود (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

متغیر عملیاتی ششم: غنای حسی؛ کیفیتی که می‌تواند بر قوام گزینه‌های مربوط به تجربیات حسی مردم تاثیر بگذارد غنای حسی نامیده می‌شود. (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵). کیفیتی که باعث بالاتر بردن قدرت انتخاب مردم می‌گردد، غنای حسی نامیده می‌شود. کوئن لینچ در تئوری شکل شهر خوب ۱۹۸۱، می‌گوید: معنی «حس» به مفهوم نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری (گلکار، ۷۹۱۳، صص ۳۸-۶۵). مکان، تجربه فضا به وسیله انسان است. به عبارت دیگر مکان ترکیبی از انسان و محیط کالبدی اوست که به واسطه «حس کردن» به تجربه درآمده و ادراک می‌شود.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

فضـای مکانـی مسـجد با محرک‌هـای گوناگـون بصری و غیربصـری بـه گونه‌ای مسـتقیم و غیرمسـتقیم ذهن عابـر را برمی‌انگیختـه و بـر دامنـه ادراک او می‌افـزوده اسـت (پرونـد و تولایـی، ۱۳۷۶).

نمونه های موردی

(*) **مسـجد وکیـل (دوره صفـوی)**؛ مسـجد وکیل یکـی از مناطـق مذهبی و تاریخی در شـیراز می باشـد. در غـرب بـازار وکیـل و در انتهای راسـته شمشـیرگرها مسـجد وسـیع بسـیار زیبایـی بنـا شـده اسـت کـه به نـام مسـجد سـلطانی وکیـل یـا مسـجد وکیل مشـهور اسـت. در واقـع ایـن بنـا یکـی از بناهـای زیبا و بسـیار مسـتحکم دوره زندیـه می‌باشـد کـه از لحـاظ هنـری و معمـاری دارای اهمیـت زیـادی مـی باشـد. البتـه ایـن مسـجد بـه فرمـان کریم‌خـان زنـد سـاخته شـده اسـت. طـرح ایـن مسـجد دو ایوانـی بـوده و دارای دو شبسـتان جنوبـی و شـرقی مـی باشـد قابل ذکر اسـت کـه شبسـتان جنوبـی بـا سـتون‌های سـنگی یکپارچه و مارپیـچ از شـاخصه‌های معمـاری ایرانـی و از مناطـق دیدنی این مسـجد اسـت که دارای ۴۸ سـتون سـنگی یکپارچـه می‌باشـد گفتنی اسـت که در سـمت شـمال مسـجد طـاق بلنـد و مبـا اهمیتی سـاخته شـده که به طـاق مروارید مشـهور اسـت و در دور این طـاق با قلم درشـت و خـط ثلـث عالـی یکی از سـوره‌های قـرآن به صـورت هلالی نگشـته شده‌اسـت. با وجـود اینکه بافت اجـزای تشـکیل-دهنده، در این دوره به طـور مجزا و با قطعـات بزرگ اسـت ولی توسـط میدانهایی بـا یکدیگر مرتبط گشـته و سـپس با راسـته فشـرده و خطی بازار بـه بخشـهای قبلـی متصـل مـی شـود و در کل بافـت یکپارچـه و منسـجمی را مـی سـازد. کل مجموعـه از فضاهای باز و بسـته تشـکیل شـده کـه از طریق فضای بسـته با عناصر دیگر شـهری مرتبط می شـوند. عناصر سـازنده مجموعـه نیـز از فضاهـای باز و بسـته سـاخته شـده انـد و از طریـق فضـای بـاز عمومـی بـه یکدیگـر مرتبـط می شـوند.

علاوه بر عناصر اصلی تشـکیل دهنده شـهر در گذشته، کاربریهـای جدیـد در قالـب مجموعـه ای از عناصـر به شـهر اضافـه مـی شـود کـه شـامل فضـای باز شـهری (میـدان)، فضـای مذهبـی (مسـجد)، فضـای حکومتی (قصـر)، دیـوان خانـه، بیمارسـتان و کتابخانه اسـت که اطـراف فضای باز شـهری قـرار گرفته انـد. در این الگو، ترکیبـی از انـواع عملکردهای شـهری را کـه حول یک فضـای خالـی متشـکل شـده انـد، مـی تـوان مشـاهده نمـود. جلوخـان، فضایـی وسـیع در جلـو پیش‌طـاق ورودی بعضـی از بناهـای بـزرگ و مهـم. جلوخـان بـه معانـی پیشـگاهِ‌خانه، میدانـگاهِ جلو درِ خانـه و محوطه بـازِ روبـه‌روی درِ خانه و مسـجد و کاروانسـرا و زیارتگاه بـه‌کار مـی‌رود و در بعضی از شـهرهای ایـران، جلوخان یـا پیشـخان متـرادف با پیشـطاق نیز هسـت.

مسـجدوکیل(دوره زندیـه)؛ در ایـن دوره از تاریـخ، در شـهر مجموعـه ای شـکل مـی گیرد که شـامل ارگ حکومتـی، مسـجد و بازار، تفرجـگاه و میادیـن (میدان مشـق و توپخانـه) اسـت کـه مجـاور مجموعـه قبلـی شـکل مـی گیـرد و بـدون حـذف آن، مجموعـه قدیـم را تاحـدی تضعیـف مـی کنـد. مجموعـه زندیه توسـط راسـته بـازار بـه مجموعه شـهری قبل متصل می شـود ایجـاد مجموعه فـوق در ابتدای محـدوده چهارباغ غرب شـهر و در باغهـای ایـن محـدوده شـکل می گیـرد، اما بخشـهای انتهایـی چهارباغ بـه همان صـورت باقی می ماند.

عملکـرد و فعالیت؛ از عناصـر اصلی تشـکیل دهنده شـهری در گذشـته، آن دسـته از عناصـر کـه کاربـری عمومـی داشـته انـد باقـی مانـده و آن بخـش کـه اختصاصـی بـوده در بافـت شـهر جـذب شـده یـا از اهمیـت اولیـه ان کاسـته شـده اسـت و بـه جـای آن فضاهـای جدیـد بـا سـاختاری جدیـد شـکل گرفتـه اسـت. از جملـه بناهـای اضافـه شـده در ایـن دوره، سـاختمان هـای حکومتـی ارگ اسـت کـه بـه صـورت دژ مسـتحکمی اسـت. فضاهای مذهبی موجـود در این مجموعـه از زمان صفویـه همچنـان دارای اهمیت بوده و جـز عناصـر اسـتخوان بندی اصلی شـهر باقـی مانده است.

مشـخصات عملکـردی؛ عملکـــــــردهای عناصر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

تصاویر ۱۰ و ۱۱ و ۱۲. مسجد فاطمه الزهرا در بافت جدید شیراز و فاقد جلوخان؛ ماخذ: تصویربرداری نگارندگان، ۱۳۹۵.

استخوانبندی اصلی شهر در مراحل اولیه آن، حکومتی و نظامی، تجاری و مذهبی بوده است. در محدوده استخوانبندی اصلی شهر در مراحل بعدی توسعه، سه زمینه اصلی فعالیتی شامل فرهنگی- مذهبی، حکومتی- نظامی، و تجاری وجود داشته است. حوزه حکومتی شامل عناصر مذهبی و تشریفاتی نیز می باشد.

تمرکزهای جمعیتی و فعالیتی؛ تمرکزهای جمعیتی غالباً در بخشهای از استخوانبندی اصلی شهر اتفاق می افتد که کاربریهای عمومی مثل بازار، مساجد و مدارس علمیه و بناهای مذهبی واقع شده اند و بخشهایی که از استخوانبندی شهر کاربریهای حکومتی دارند، جاذب جمعیت کمتری هستند.

(*) مسجد فاطمه الزهرا (دوران معاصر)؛ اهم ویژگیهای مسجد فاطمه الزهرا که از مساجد دوره معاصر است به شرح زیر است:

۱. فاقد قرارگیری در استخوان بندی قدیم شهر شیراز
۲. مسجد فاطمه الزهرا فاقد جلوخان می باشد.
۳. قرارگرفته بر سر گره ترافیکی شهر است و
۴. محصور شده توسط بناهای مرتفع اطراف و
۵. فاقد فعالیت اجتماعی
۶. بارز نبودن به عنوان یک نماد شهری.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۱. مقایسه تطبیقی مولفه های تاثیرگذار بر تقویت قرارگاه های رفتاری در نمونه های موردی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مولفه	میزان تاثیرگذاری (*: تاثیر کم؛ **: تاثیر متوسط و ***: تاثیر زیاد)		ملاحظات
	مسجد وکیل (دارای جلوخان)	مسجد فاطمه الزهرا (فاقد جلوخان مشخص)	
سازمان فضایی	***	---	منظور میزان تاثیر گذاری بر استخوانبندی شهر و سازمان فضایی شهر سیراز بوده که هویت کالبدی شهر شیراز را باعث شده است.
انعطاف‌پذیری	***	*	منظور انطباق فرم شهری یا فعالیت‌های گوناگون و فراشدهای رفتاری است که سه عامل کلیدی انعطاف پذیری دراز مدت را پشتیبانی می‌کند: عمق و دسترسی و ارتفاع.
تناسبات بصری	***	**	کیفیتی که می‌تواند بر جزئیات ظاهری یک مکان، آنگونه که مردم را از گزینه‌های قابل عرضه به خودشان آگاه کند.
نشانه	***	**	دید مناسبی از نقاط مختلف شهر و وجود دو عنصر گنبد و مناره
غنای حسی	***	*	برانگیزش حس مکان و تجربه زیباشناختی عابران با محرک‌های گوناگون بصری و غیربصری به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم و گسترش دامنه ادراک
خوانایی	***	*	کیفیت تاثیرگذار بر چگونگی و سهولت درک مردم از فضا و موقعیت‌های پیرامون مسجد برای برقراری تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

نتیجه گیری و جمعبندی

با توجه به حکومتهای مذهبی که براساس دیدگاه‌های ایدئولوژی اسلامی در شکل گیری ساختارهای شهری تاثیر بسیار داشته است باید به این امر توجه ویژه‌ای نمود که حکومت در دوران گذشته و حال بر پایه سه محور اقتصاد و سیاست و مذهب شکل گرفته است که از ارکان مهم قدرت مذهب بوده است که مساجد پایگاه اصلی مذهب در جامعه به شمار می رود. از این رو نقش مساجد در شکل گیری و روند توسعه شهری بسیار پررنگ است که با بررسی آن می توان تاثیر آن و جایگاه فرهنگی در توسعه اجتماعی را بدست آورد. مسجد به عنوان یکی از نیایشگاههای اصلی جهان اسلام همواره مورد توجه قرار داشته و نقش آن در شهرسازی اسلامی و پلانهای شهری نیز مدنظر بوده است. در مساجد گذشته حرکت به سمت مسجد پیاده، تدریجی، پرمعنی و جاذب بود. به دنبال تعیین جهت حرکت عابر پیاده با گذر از فضاهای متنوع تا رسیدن به بنای مسجد و به همراه داشتن تفاوت فضاها و مناظر (حس بینایی) صدا (حس شنوایی) و فعالیت‌های متفاوتی که در این مسجد و اطراف آن، باید توجه چشمگیری شود. این تحقیق نشان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

می‌دهد که نقش طرح کالبدی بر فعالیت‌ها هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم از طریق ابعاد نشانه‌ها و معانی صورت می‌گیرد مهمترین اهدافی که این پژوهش دنبال دارد بررسی جایگاه مساجد امروزه در تعاملات شهری و همچنین عواملی که سبب کمرنگ شدن نقش فرهنگی اجتماعی این مکان شده است. بخش عمده تحقیق که به صورت مطالعات کتابخانه‌ای بود و در نهایت تحلیلی تطبیقی برای رسیدن به هدف اصلی مقاله بررسی نقش کالبدی- اجتماعی مساجد دیروز و امروز شیراز در فضاهای شهری انجام گرفت. یافته های تحقیق خاکی از ان است که مقایسه عواملی چون خوانایی، نشانه‌ها، انعطاف‌پذیری، تناسبات بصری، غنای حسی وکاربری های اطراف، در گذشته و حال ما را در این پژوهش یاری خواهد کرد. هدف نهایی این مقاله بررسی نقاط ضعف و قوت فضای اطراف مسجد در دوره گذشته و معاصر می باشد که چرا مسجد شاخصه و جایگاه ویژه خود را در شهر به خوبی نمایان نمی کند و همچنین برای مکانی پاسخده از فضای شهری که حضور مسجد در این مکان را پررنگ‌تر و پویاتر نماید و حال و هوای محیط را اجتماعی تر و مذهبی‌تر جلوه‌گر نماید.

در راستای ارتقا و تقویت قرارگاه رفتاری در جلوخان مساجد راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱. افزایش میزان شاخصهای زیباشناختی در جلو و میدانگاه های پیشروی مساجد مدرن؛

۲. تقویت عملکردهای فضایی با تقویت مولفه های تاثیرگذار بر تسهیل استفاده از فضاهای جلوگاه مساجد.

۳. بهسازی زیرساختها و ویژگیهای کالبدی فضاهای جلوخانی در راستای بهبود کیفیت کالبدی فضا و افزایش مطلوبیت بهره گیری از فضاهای جلوخانی؛

۴. تقویت مراودات شهروندی و تعاملات سازنده اجتماعی به طرق گوناگون در راستای ارتقا سطح فعالیتهای گزینشی و انتخابی در فضاهای جلوخانی.

منابع و ماخذ

امین زاده، بهناز (۱۳۷۸) حیاط مساجد بررسی تاریخی و سیر تحول آن، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر ۱۳۷۸.

آلتمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتار اجتماعی، خلوت فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه دکتر علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.

بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.

بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸) تحلیل فضاهای شهری، در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

پاپاروپور، الکساندر(۱۳۸۷) معماری اسلامی، مترجم : حشمت جزیی، انتشارات سیما.

پاکزاد جهانشاه و اسدی خوانساری حسین (۱۳۹۰) راهنمای طراحی فضای شهری در ایران، انتشارات پیام سیما.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۱) کیفیت محیط شهری: مطالعه معوقه شهروندان، فصلنامه پژوهشی، تحلیلی، آموزشی مدیریت و برنامه ریزی، سازمان شهرداری کشور، سال سوم.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۴) راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) مفاهیم و مبانی نظری فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه علم و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

صنعت ایران.
پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
پروند، شادان و تولایی، نوین (۱۳۷۶) ویژگیهای فضایی و مکانی مسجد در ایران: آموخته هایی از نمونه های ماندگار گذشته، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، تهران ۱۳۷۶.
پورجعفر، محمدرضا و آزاد میترا (۱۳۷۹) بررسی تاریخی حضور آتش در کتیبه ها و نیایشگاهای ایران باستان، اولین هم اندیشی هنر و عناصر طبیعت، تهران.
پورجعفر، محمدرضا و خاتمی، مهدی (۱۳۸۵) معماری مسجد و نقش آن در شهر پیامبر، مجموعه مقالات همایش تجلی حسن محمدی در هنر، دانشگاه هنر تبریز.
پورجعفر، محمدرضا (۱۳۷۶) نقش و جایگاه مسجد در برنامه ریزی و طراحی محله های شهرهای اسلامی، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر.
پورجعفر، محمدرضا (۱۳۷۸) باز آموزی از طراحی و معماری مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر.
پورجعفر، محمد رضا (۱۳۸۱) توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجله مدرس هنر، شماره ۳.
پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱) توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجله مدرس هنر، شماره ۲ سال ۱۳۸۱.
پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی (۱۳۸۸) جایگاه معماری مسجد در سیمای محله، مساجد در شهرهای جدید.
حاج سید جوادی، فریبرز (۱۳۷۸) مسجد- مدرسه ها، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر.
حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
رنجبر کرمانی، علی محمد (۱۳۷۸) بررسی تطبیقی معماری نیایشگاههای غربی و مساجد، فروغ مسجد، انتشارات ثقلین.
سلطان زاده، حسین (۱۳۶۵) مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، نشر آبی، تهران
سلیمانی، محمد جواد (۱۳۷۸) معماری مسجد، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر آذرماه ۱۳۷۶.
شکاری، جواد (۱۳۸۰) معماری مسجد در نظام اسلامی، مجله فرهنگ مسجد، شماره ۶۳.
عمید، حسن (۱۳۴۲) فرهنگ عمید، ناشر کتابخانه سینا، تهران.
کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، مترجم: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهاردهم.
گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفه، شماره۳۲.
گلکار، کوروش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.
گلکار، کوروش (۱۳۸۶) مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، فصلنامه صفه، شماره ۴۴، ص ۷۵-۶۶، سال شانزدهم.
مان، نرمال (۱۳۶۴) اصول روانشناسی، ترجمه محمود ساعتچی، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، تهران.
مرتضی، هشام (۱۳۸۷) اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
مطهری، مرتضی (۱۳۴۹) خدمات متقابل اسلام و ایران، شرکت سهامی انتشار.
معین، محمد (۱۳۶۰) فرهنگ فارسی، جلد اول،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

انتشـارات امیـر کبیـر، تهـران، چـاپ چهـارم.
نوری، مهدی (۱۳۷۸) تحلیل جامعه شـناختی مسـجد، فرهنگ اصفهان، شـماره ۱۳.
الویری، محسـن (۱۳۸۵) مسـجد الگـوی جامعه دینی، مجموعـه مقـالات برگزیـده سـومین همایـش هفتـه جهانـی مسـاجد (فـروغ مسـجد) سـال ۱۳۸۵.

Altman, l & Chemers,M 1975 :Culture andEnvironment,MontreyCA, Books,Cole.
Altman, l: 1975 "The Environment and Social. Behavior",Montrey,CA, Books,Cole.
Andreson , W.A (1943) The Family and Individual Social Participation, American Sociological Review, PP 420-424
Barker, R. G, 1968 "Ecological psychology: Concepts and methods for studying the environment of human behavior". Stanford, Ca.: Stanford University Press.
Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press
DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London
Gaoteri, H (1986) Popular Participation in Development, in Participation in Development , Paris, VNESCO
Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings
Giddens, a (1994) Beyond Left & Right. Cambridge: Polity Press.
Lang, Jon 2005"Urban Design: A Typology of Procedures and Products.
Lang,Jon:Urban Design1994:The American Experience,Van Nostrand Reinhold.
Larice, Michel and Macdonald. Elizabet (2007) The Urban Design Reader. Routeldge. New York. PP348-375
Larice. Michel and Macdonald; Elizabet (2007) The Urban Design Reader. Routledge . New York. PP 371-375 &
Marcus; C and Francis. C 1998) People place. Design Guidelines for Urban Opon Spaces. John Wiley & Sons.
Mitchel D, Introuction: Public spaceand the city, Urban geography, no.2, 1996
Porker, Robert (1983), Nash Measuring Social Participation, American Sociological Review, PP864-873
Punter.J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
Rapaport,Amos, 1997 "Human Aspected of Urban Form",Pergamon Press.
Serageldin and Grooteat (2000) Defining Social Capital: an Integrating View. In Social Capital, A multifaceted Perspective. The World Bank Washington.
Thompsons Catharine.W (2002) Urban Open Space in The 21 st Century. Landscape and planning (60) 59-72, Elsevier
Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 56-59 Marcus & Francis, Gathering live, 1998
Whyte, William, The Design of Spaces, project for public spaces,New York, 1985.
Whyte, William, The Social Life of Small Urban Spaces, project for public spaces,New York, 1981.
Woolch, M (1998) Social Capital and Economic Development Toward a Synthesis and Policy Frame Work, Journal of Theory and Society, vol 27, pp 151-208

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

20. The Study and Analysis of Changes in Sultanates Architectural Forms and Elements in Beylik's Era and Their Role in the Rise of Ottomans Architecture ■ 325-342 ■
21. The continuum between the house and the city: the Iranian home part of the neighborhood and the neighborhood, with emphasis on the values of the Islamic city ■ 343-366 ■
22. Analysis of the structure of the physical geometry of urban space in the form of military architecture, case study: Sardar Asad castle in Chaharmahal and Bakhtiari Province ■ 367-388 ■
23. An expression of social justice in Islamic-Iranian model of urban neighborhoods ■ 389-410 ■
24. Explain The Relationship Between Social Capital And Urban Management Mediating Role Of Citizen Participation (Case Study Kerman Municipality) ■ 411-422 ■
25. Study the concept of cognitive signs and codes in architecture and urbanism with an emphasis on architecture and Islamic city ■ 423-444 ■
26. Evaluating the Achievement of the Objectives of Mehr Housing Plan: Case Study of Pardis New City, Tehran ■ 445-452 ■
27. Islamic architecture and urban planning from the perspective of wisdom of existance ■ 453-480 ■
28. Light Dignity in Ayat al-Nur; Qualitative principles of (natural) light based on Quranic texts for application in contemporary Religion spaces ■ 481-498 ■
29. The Process of Globalization and Its effect on Regional-Urban Development (Case Study: Chabahar in Southeast of Iran)■ 499-514 ■
30. Mosques forecourt place yesterday and today in the formation and strengthening of behavioral setting (comparative case study in Shiraz Vakil Mosque and the Mosque of Al-Zahra) ■ 515-534 ■

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]